

رویکرد سیاست هویتی و چگونگی تحلیل سیاسی نوع بهره برداری از خلای امنیتی و بی ثباتی اجتماعی لزوم جدی گرفتن تهدیدات تروریستی در منطقه

چگونه گفتن ها و چه گفتن ها در دوران صلح مسلح
انجام سفر در زمان نامطلوب و پیامدهای آن
پس منظر دیپلوماسی اقتصاد محور
اختلال نظم دنیای جدید

سیاست هویتی بمثابة ره یافت و تحلیل سیاسی پنداشته میشود که بر اولویت بندی شهروندان بر بنیاد دغدغه های عمدتاً مرتبط با هویت مشخص نژادی، مذهبی، قومی، جنسیتی، اجتماعی، فرهنگی و سایر اشکال هویتی آنها و تشکیل اتحادهای سیاسی انحصاری با دیگران درین گروها بجای درگیر شدن در سیاست عمومی و سنتی تر حزبی مبتنی شده است. افرادی که گونه مشخص خودشان از سیاست هویتی را اولویت بندی می نمایند، ممکنست منافع گروه خودشان را بدون در نظر گرفتن منافع گروههای سیاسی متنوع، بز کتر ترویج کنند. اصطلاح سیاست هویتی در کاربرد آکادمیک در ارجاع بدامنه گسترده ای از فعالیتها و تحلیلهای نظری بکار رود که در تجربیات بیعدالتی با اشتراک گذاشته شده توسط گروههای اجتماعی مختلف ریشه دارد. معمولن درین کاربرد منظور از سیاست هویتی، ادعای آزادی سیاسی و خودفرمانی برای گروهها ی حاشیوی، از اخلال فهم طبیعت متمایز هر گروه منفعت و مشخصه های چالش برانگیز تحمیل شده خارجی، بجای سازماندهی منحصر به حول نظام های اعتقادی یا وابستگی های حزبی است. هویت همچون ابزاری برای چاقوب بندی دعاوی سیاسی بکار می رود.

در امتداد دهه های پسین، بویژه در قلمرو و اراضی متعلق بکشور عزیز ما افغانستان، گروهها و دسته بندی های بنیادگرا، البته بدرجات مختلف و متفاوت از هم و اما هر کدام از آنها به سبک و سیاق خویش اعلام موجودیت نمودند. در جریان سال ۱۴۰۰ خورشیدی، چندین رخداد قابل توجهی تکوین پذیرفت، خروج نظامیان امریکایی از کشور ما، بقدرت رسیدن "طالب" ها در ماه اسد سال یادشده پس از آن هم، اعلام تشکیل و پایه گذاری "امارت اسلامی". در نبشته حاضر، سعی بعمل آمده تا اصل شکل گیری رویدادها و سازماندهی مجدد نیروهای یادشده و تأثیر گذاری آنها رویدادها بر امنیت جهانی مورد بررسی موشگافانه قرار داده شود. در تهیه و طرح مسایل مورد نظر، از داده های آژانس های خبری و جمعآوری و نتیجه گیری تحقیقات میدانی در کشور عزیز ما افغانستان، پاکستان و تاجیکستان، استفاده بعمل آمده است تا از این طریق بتوان دیدگاههای جامعه کارشناسان و مقامات دولتی در مورد فرآیندهای مورد نظر که در نبشته حاضر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است، ارزیابی نماییم. قابل یاددانی پنداشته می شود که "دولت اسلامی"، "ولایت خراسان"، "تحریک طالب های پاکستان"، "القاعده" و "حزب اسلامی ترکستان"، بگونه گلی در امر سازماندهی

مجدد جهادی‌ها در کشور عزیز ما نقش بسزا و عمده‌ای داشته‌اند. آیا وضعیت اینچنینی نشان‌دهنده نظارت "طالب‌ها" بر نیروهای یادشده می‌باشد، با وجود اینهمه، درین مقطع پرسشی باین شرح مطرح می‌گردد: آیا تشدید ضد و نقیض‌های کنونی سبب ساز از دست دادن نظارت بر وضعیت نمی‌گردد؟ در سناریوی یادشده، "طالب‌ها" تقریباً هیچ ابزاری بمنظور واکنش فوری در قبال شرایط و وضعیت جدید ندارند و در نتیجه بمتابۀ تهدیدی برای شماری از کشورهای همجوار مبدل می‌گردند. فعالیت‌ها و عملکردهای "تحریک طالب‌های پاکستان" مأهیت بسیار محدودی دارد. "طالب‌های افغانستان، در وضعیت اینچنینی تلاش می‌ورزند تا موقعیت میانجی کلیدی بین "تحریک" یادشده و پاکستان را بدست آورند، در زمینه یادشده تلاش‌هایی نیز در شرف انجام می‌باشد.

اما در مورد "دولت اسلامی" در "ولایت خراسان"، وضع متفاوت می‌باشد، چه، "دولت" یادشده موضع سازش‌ناپذیری داشته، از شرکت و سهم‌گیری در مذاکرات با هر جانبی ابا و ورزیده و بمتابۀ بزرگترین تهدید برای کشورهای منطقه بشمار می‌رود.

گروه "دولت اسلامی" در "ولایت خراسان" در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی، عمدتاً بدلیل جدأ شدن برخی از اعضای رادیکال‌تر "تحریک طالب‌های پاکستان" در امتداد سال ۱۳۸۹ خورشیدی پاکستان را ترک نموده و بولایت ننگرهار کشور ما مهاجرت کرده بودند. در امتداد سال ۱۳۹۳ خورشیدی، گروه‌های جداگانه فعال در افغانستان و پاکستان، از جمله "تیپ توحید"، "انصارالخلافت و الجهاد" و "جندالله"، بیعت‌شان را به "دولت اسلامی" (داعش) اعلام نمودند. با اینحال، نقطه آغاز تقویت موقعیت "داعش" در کشور عزیز ما، مصادف بود با ۱۱ ماه سرطان سال ۱۳۹۳ خورشیدی. در شکل‌گیری گروه یادشده نه تنها گروه‌های منشعب، بلکه برخی از اعضای "شبکه حقانی" و "جنبش اسلامی ازبکستان" نیز در بانجام رسانیدن امر یادشده نقش ایفا نمودند.

قبل از آنکه به بررسی و مطالعه موشگافانه عملکردهای شاخه منطوقی "دولت اسلامی" در کشور عزیز ما افغانستان پردازیم، لازمی پنداشته می‌شود تا نکات کلیدی و عمده‌ای که "داعش" و "طالب‌ها" را از هم متمایز می‌نماید، بیان گردد.

"داعش" خود را بمتابۀ "دولت اسلامی" تثبیت شده‌ای برای امت اسلامی در سراسر جهان معرفی نموده و رهبرش را نیز خلیفه همه مسلمانان می‌پندارد، اما "طالب‌ها" بیشتر بر جنبه ملی "جهاد" در کشور تکیه می‌ورزند، بمفهوم دیگر یعنی اینکه آنها "جنگ آزادیبخش ملی" علیه نظامیان امریکایی و افغان را بانجام رسانیده، مدعی رهبری کلیه مسلمانان نبوده و بیشتر از سایر موارد، بامور و مسایل کشوری ارجحیت قایل می‌باشند، این اولن و دوم هم اینکه "طالب‌ها" سعی می‌ورزند تا جایگاه‌شان در نظام بین‌المللی را بدست آورند، اما "داعش" تمامی نهادهای سیاسی معاصر را رد نموده و هر نوع فرآیند گفتگو و مذاکره را بمتابۀ خیانت محسوب نموده و حتا دلیلی بمنظور محکوم نمودن طرف مقابل بارتداد می‌پندارد.

مسأله طرز نگاه در گروه‌بندی یادشده در قبال شهروندان شیعه کشور نیز مطرح می‌باشد. اگر "طالب‌ها"، شهروندان اهل تشیع، بویژه اثناعشرها را بمتابۀ مسلمانان محسوب نمی‌نمایند، گروه "داعش" پیروان اهل تشیع را بمتابۀ مرتدین پنداشته، اجازه و مجوز حمله به مسجدهای آنها را جایز شمرده، محلات یادشده را بمتابۀ "معابد کفر" پنداشته و از جانب دیگر، کسانی که از آنها پشتیبانی نموده و در قبال آنها دلسوزی می‌نمایند، "طالب‌ها" را بمتابۀ یاران مشرک می‌پندارند.

در نهایت امر، مهمترین تمایز و تفاوت بین گروه‌های یادشده، اصل متعلق بودن به مکتهای مختلف عقیدتی و چگونگی موضع آنها در قبال تصوف و اتهام به شرک می‌باشد. "دولت اسلامی" تمامی طریقت‌های صوفیه را عملن بشرک متهم نموده و در نتیجه، آنها را اصلن بمتابۀ مسلمان محسوب ننموده، بر ضرورت مبارزه با آنها تأکید نموده و اجازه حمله به پیروان آنها را روا می‌پندارند. همچنان خود "طالب‌ها" را نیز بحمایت و انتشار "آداب و عملکردهای شرک‌آلود" متهم می‌نمایند. اما "دولت اسلامی" همه طریقت‌های صوفی را بانجام شرک متهم نموده و در نتیجه آنها را مسلمانان نیاز ضد جنگ ندانسته و همچنان اجازه حمله به پیروان‌شان را نیز جایز می‌شمارند، اما آنها خود "طالب‌ها" را نیز بحمایت و گسترش "مناسک شرک" متهم می‌نمایند.

چنانچه قبلن تذکر بعمل آمد، رهبر "داعش" خود را خلیفه و رهبر همه مسلمانان می‌پندارد. اما بخاطر ما باشد که از زمان بقدرت رسیدن "طالب‌ها" در کشور، افراد و فعالان "داعش"، بگونه مکرر از حامیان‌شان تقاضاً بعمل آورده‌اند تا از وضعیت کنونی بگونه‌ای بهره‌برداری نمایند. همچنین "داعش"، ساحة فعالیت‌هایش را باراضی کشور عزیز ما محدود ننموده و نگاهش را بکشورهای آسیای مرکزی معطوف نموده است. گزارش‌هایی دال بر موجودیت و حضور

فعال "دولت اسلامی" در بسیاری از ولایت های کشور عزیزما، بشورای امنیت سازمان ملل ارائه گردیده است. نماینده استخبارات "طالب" ها اعتراف نمود که روی کار آمدن "طالب" ها در افغانستان، بگونه ناآگاهانه به جنگجویان "داعش خراسان" کمک نمود تا عده بیشماری از آنها از آنجا فرار نمایند. در امتداد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، "داعش خراسان" بسارماندهی و اجرای ۳۶۵ حمله یورش مبادرت ورزید که در نتیجه، بتعداد ۲۲۱۰ تن از شهروندان کشور بخاک و خون کشیده شدند. همچنان در امتداد سال ۱۴۰۱ خورشیدی، بانجام ۱۱۳ حمله مبادرت ورزیدند که تعداد دقیق قربانیان بگونه نامشخص اعلام گردید. اهداف حملات "داعش خراسان" در کشور عزیزما را می توان بدو دسته تقسیم نمود: نخست، مبارزه و تداوم جنگ علیه همه شهروندان هزاره کشور که از مذهب شیعه اما می پیروی می نمایند، دوم هم مبارزه علیه زیرساخت های مختلف کشور عزیزما و بویژه نبرد علیه جنگجویان و سر با زان "امارت اسلامی". اما "طالب" ها همچنان بمثابه اصلی ترین مخالفان "داعش" شناخته می شوند.

جالب توجه است که "داعش" در تبلیغاتش بگونه منظم تلاش می ورزد تا باقلیت های قومی کشورما مراجعه نماید. آنها "طالب" ها را عمدتاً بمثابه "جنبش ملی گرای" پښتون می شناسند که در مقابل ترکیب بین المللی "داعش" قرار دارند. موضوع فوق بمثابه مواد تبلیغاتی که بزبان های مختلفی ترجمه شده است، بوضاحت انعکاس می یابد. در حال حاضر وضعیت کنونی، کارزار جلب و جذب نیروها دشوار بنظر می رسد، اما با اطمینان میتوان چنین پنداشت که تعدادی از حملات عمده و بزرگ سازماندهی شده، با حملات انتحاری توسط جهادی های افغان انجام داده شده است. اما شایان ذکر می باشد که "داعش" هیچگاهی اطلاعات مؤثق و بدرد بخوری در مورد موجودیت دسته های انتحاری اینچنینی توسط دیگر اقلیت های قومی ساکن در کشور عزیزما ارائه ننموده است کاین بخودی خود، بمثابه پیام منحصر بفردی پنداشته می شود که نه قبل و نه در آینده ها، مقامات رسمی ژانسی بین المللی انرژی اتومی به تعلق قومی جنگجویانی که در جریان شورش های شان بازداشت شده بودند، تذکر بعمل نیآورده اند. برخی ها ادعا می نمایند که گروه "داعش" با "جبهه مقاومت ملی" همکاری داشته است. اظهارات اینچنینی، اسباب تردید های بسیاری را بوجود می آورد. چه، با در نظر گرفتن اختلافات ایدئولوژیک، همکاری "داعش" با "جبهه مقاومت ملی" در کشور غیر ممکن پنداشته می شود. با اینحال، توجه ها باین واقعیت جلب می گردد که "طالب" ها سعی می ورزند تا توجه ها را باین واقعیت جلب نمایند کآنها نیز تلاش می ورزند تا باصل همکاری "داعش" و "جبهه مقاومت ملی"، آنهم بر بنیاد شاخص تعلق های قومی جنگجویان آنها تأکید نمایند. وضعیت موجود و شرایط حاضر میدانی به برخی از کارشناسان اجازه می دهد تا متذکر گردیده و خاطر نشان نمایند که "داعش" رنگ و بوی قومی تاجیکی بخود اختیار نموده که بخودی خود، سبب ساز ایجاد معضلات و مشکلاتی برای "طالب" ها می گردد، زیرا عملیات آنها علیه این گروه می تواند بمثابه سرکوب تاجیک ها، آنهم بر بنیاد معیار قومی تعبیر گردد.

قابل یاددانهی پنداشته می شود که پرسش همکاری بین "طالب" ها و نماینده های جامعه بین المللی بمنظور مقابله با تهدید "داعش"، نیاز به بررسی های جداگانه ای دارد. اما بگونه مشخص، تلاش هایی بمنظور جلب حمایت از گروه بندی های مخالف "داعش" وجود داشت که بعقیده جانب امریکایی، غیر قابل قبول پنداشته شد، زیرا ادعا گردید که اقدام اینچنینی بمثابه مشروعیت بخشیدن به "طالب" ها محسوب میگردد. با اینحال، در امتداد ماه میزان سال ۱۳۹۹ خورشیدی، جنرال مک کنزی، رئیس فرماندهی ایالات متحده در جریان صحبت و ارائه گزارش به کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان کشورش پذیرفت که ایالات متحده در امر مبارزه با "داعش" به "طالب" ها کمک نموده و با انجام حملات پهبادی به مواضع آنها ضرباتی وارد مینمود. اینکه چرا و بر بنیاد چه واقعیت هایی، نظامیان واشنگتن، بانجام اقدامات اینچنینی مبادرت ورزیدند، مکزی متذکر گردید که "طالب" ها بگونه مؤثری علیه "داعش" در ولایت ننگرهار مبارزه نموده و گام های مؤثر و بلندی در امر نابودی "داعش" انجام دادند. بنابراین، با متباز گردیدن مؤفقیت های آنها، تصمیم اتخاذ گردید تا با آنها در امر مبارزه علیه گروه دیگر دشمن ایالات متحده کمک شود. اعترافات قو ماتدان فرماندهی مرکزی نظامیان امریکایی این واقعیت را تأیید نمود که نظامیان ایالات متحده اولن، خود بحرکت "طالب" ها در امر مبارزه علیه "داعش" کمک و معاونت نموده و دوم هم اینکه به کار آمدی و مؤثریت آنها در امر مبارزه با "داعش" اذعان می نمایند.

در مورد نتیجه گیری تحقیق و تفحص حاضر، همینقدر بایست گفت که چگونگی افراط گرایی اسلامی و ادعای آغاز سا ختاردولتی مستقل و همچنین ارزیابی گسترش بالقوه نیروهای سیاسی مختلف و تهدیدی که آنها در قبال امنیت جهانی ایجاد می نمایند، قابل دقت پنداشته می شود. ماهیت تعامل "طالب" ها با هر کدام از گروه ها بگونه مفصل و تشریحی باید مورد ارزیابی قرار گرفته و همچنان بمسأله همکاری ممکن و یا کمک و معاونت غیر مستقیم حاکمیت "طالب" ها

در امر مبارزه با "دولت اسلامی ولایت خراسان"، با توجه و تعمق بیشتری مورد مطالعه قرار داده شود، چه، در هر وضعیتی، "طالب"ها بویژه در حال حاضر در صدد ایجاد تهدیدی بمنظور از قوه بفعل مبدل نمودن برنامه های نظامی شان نمی باشند، زیرا عمدتاً به حفظ قدرت و حاکمیت شان در داخل محدوده افغانستان علاقمند بوده و از بگومگوهای اضافی و جنجالی، بویژه با کشورهای همجوار خودداری بعمل می آورند. همچنین "طالب"ها چنین اقامه دعوی می نمایند کاصلن بصدور ایدئولوژی شان بخارج ازاراضی و قلمرو افغانستان، علاقه و اشتیاقی ندارند. با اینحال، اما در قلمرو "امارت اسلامی افغانستان" سازمان هایی نیز موجود می باشند که بمفهوم ساختارهای جهانی جهادی محسوب می گردند. "القاعده" بگونه مکرر، بویژه با استفاده از رسانه های رسمی و غیررسمی، متعهد گردیده تا ازاراضی و قلمرو متعلق بکشور ما بمنظور حمله بکشورهای دیگر استفاده بعمل نیاید. با اینحال، "دولت اسلامی" در ولایت "خراسان" جنگ شدیدی را علیه "طالب"ها براه انداخته و در مورد دستیابی باهدفش و بمنظور گسترش قلمرو فعالیت هایش در اراضی متعلق به جمهوری های آسیای مرکزی اظهار نظر می نماید. درین زمینه، پرسش همکاری و یا کمک غیر مستقیم حاکمیت "طالب"ها در امر مبارزه با سازمان یادشده جالب توجه پنداشته می شود. تاکتیک یادشده، قبلن نیز بکار گرفته شده و اما در شرایط و وضعیت امروزی نیز امیدوارکننده بوده و مطابق منافع مبارزه با تروریسم جهانی پنداشته می شود.

شنبه اول ماه حمل سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۲۱ ماه مارچ سال ۲۰۲۶ ترسایی